

جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج)

حبیب الله طاهری

بسم الله الرحمن الرحیم

جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج)

نویسنده:

حبیب الله طاهری

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج)

مشخصات کتاب

نویسنده:حبیب الله طاهری

ناشر:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

درباره ی آینده ی بشر، دیدگاه های مختلف وجود دارد. برخی می گویند: «فساد و شر و بدبختی، لازمه ی جدا نشدنی حیات بشری است و به خاطر پیشرفت سریع و حیرت آور فن آوری و صنعت و انباشت سلاح های مُخرّب و ویران کننده و سلاح های کشتار جمعی، بشر، به مرحله ای رسیده که گور خود را با دست خود کنده و با نابودی کامل، بیش از یک گام فاصله ندارد. بنابراین، آینده ی بشر، بسیار تاریک و خطرناک است.» گروهی دیگر آینده ی بشر را روشن می بینند. اندیشه ی پیروزی نهایی و تشکیل مدینه ی فاضله و حکومت واحد جهانی بر اساس قسط و عدل، آرزوی دیرینه ی ملّت ها و فرهنگ ها است تا جایی که هر یک از طرفداران ادیان الهی می گویند، آینده ی جهان، از آنِ ما است و هر مذهب و ملّتی، خود را پیروز نهایی می داند و مصلح کلّ و سامان بخش زندگی بشر را از خود می داند.در اسلام، بویژه در مکتب تشیّع، توجّه به آینده و تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس قسط و عدل تحت رهبری امام معصوم، جایگاه خاصّی دارد. در این رابطه، سخنان بسیاری از رسول گرامی اسلامی(صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) و ائمه اطهار(علیهم السّلام) صادر شده است.این مسئله، در تاریخ اسلام، به نام «مهدویّت» مطرح شده است و انتظار فرج، با زندگی آنان عجین گشته است و آنان دائم، در انتظار روزی نشسته اند که آن رجل الهی و مصلح کل،یعنی حضرت حجت بن الحسن امام محمد مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) ظاهر گشته و آن حکومت واحد عدل جهانی را تشکیل دهد تا بشر به آرزوی دیرینه ی خود برسد و زندگی سعادت مند و فارغ از هر نوع ظلم و ستم و دغدغه ی خاطر را ببیند.۲- قرن بیستم، در تاریخ حیات بشر، قرنی ویژه و دارای امتیازات منحصر به فرد در میان اعصار و قرون گذشته است بشر، در این قرن، با ابتکار و به کارگیری نبوغ و با تکمیل اختراعات و اکتشاقات خویش در زمینه ی معادن و صنعت و با ساخت ماشین آلات و خصوصاً استفاده از اتم، توانست صفحات عظیمی از حیرت و شگفتی را بر پهنای گیتی بر جای گذارد، و با تسلّط خویش بر بخش عظیمی از کره ی خاکی و محیط زیست، آن راتسخیر کند. در این قرن، بشر برای نخستین بار، با سفر به کره ی ماه و سایر سیارات، سیر در آسمان ها را شروع کرد تا به اسرار آسمان ها پی ببرد در این قرن، بهره گیری از رایانه، وارد زندگی بشر شد و امروزه، در تمام زمینه های زندگی، اعم از صنعتی، کشاورزی، بهداشتی، تجاری، علمی، فرهنگی، بدون بهره گیری از رایانه، ادامه ی مسیر، میّسر نیست.به هر حال، روند تحوّلات در قرن بیستم، در دهه ی هزار و نهصد و هفتاد میلادی، وارد مرحله ی جدیدی شد و در اواسط دهه ی هزار و نهصد و هشتاد، تقریباً، در تمامی زمینه ها، نشان خود را بر جای گذاشت. در دهه ی هشتاد میلادی، برای رجوع به این دگرگونیها، مفاهیمی مانند جامعه ی فراصنعتی و فرا مدرن (پست مدرن) به کار می رفت، امّا در دهه ی نود میلادی مفهوم «جهانی شدن» رایج گردید و مفهومِ مسلّط دوران معاصر شد، به گونه ای که امروز، همه چیز با رجوع به این مفهوم، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.در ظاهر، امر جهانی شدن، یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن، همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می شود. جهانی شدن در هر زمینه، دیگر مرز جغرافیایی نمی شناسد. جهانی شدن در زمینه ی اقتصادی، در هر کشوری اتّفاق بیفتد، بر اقتصاد دیگران تأثیر می گذارد.با جهانی شدن،بُعد سرمایه نیز مرز ندارد. سرمایه،از یک طرف و اطّلاعات در طرف دیگر، بدون مرز، مثل باد می چرخد و به سرعت جابه جا می شود. اینترنت و شبکه های ماهواره ای و خبری،

ارتباطات مستمر و همزمان را بین مردم دنیا برقار می کنند و دنیا به صورت دهکده ی جهانی در آمده است. [۱] .امروزه، برخی این نتیجه رسیده اند که سعادت و خوش بختی و زندگی فارغ از هر دغدغه، تنها در صورتی است که همه چیز جهانی باشد و تحت حکومت واحد جهانی اداره شود و لذا تمام همت خود را بر این گذاشته اند که همه چیز را جهانی سازند: اقتصاد جهانی؛ تجارت جهانی؛ فرهنگ جهانی؛ سیاست جهانی؛ دهکده جهانی. بنابراین جهانی شدن، امری حتمی و محقّق یافته و یا در حال تحقّق است پس باید همه خود را با آن وفق دهند.۳- جهانی شدن در ابعاد گوناگون خود (اقتصاد، فرهنگ، سیاست، مذهب) مباحث مختلفی را می طلبد و این طور هم نیست که به راحتی بتوان اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مذهب های مختلف را به صورت واحد جهانی درآورد و یک شبه همه ی مرزها را در هم کوبید. جهانی شدن، با چالش های زیادی رو به رو است (بحث های زیادی را می طلبد.) ما، در این مقاله، تنها می خواهیم ببینیم «جهانی شدن با دین و مذهب، چه تناسبی دارد؟ آیا در این جا نیز با چالش ها روبرو است یا نه، همسو و همگون اند؟».جهانی شدن در رابطه ی با مذهب و دین نیز مباحث بسیاری را می طلبد، مانند: آثار و پیامدهای جهانی شدن بر حیات دینی؛ آینده ی ادیان در فرایند جهانی شدن؛ جهانی شدن و پویایی انتظارات از دین؛ جهانی شدن و حکومت های دینی؛ جهانی شدن و قلمروهای دین؛ جهانی شدن و گفت وگوی ادیان؛ بنیادگرایی و جنبش های ضد جهانی سازی؛ دین های محدود و دین های جهانی؛ حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) و ارتباط آن با مسئله ی جهانی شدن. آن چه در این نوشتار مورد بررسی قرارمی گیرد، تنها، مسئله ی حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عج) در مقایسه با جهانی شدن» است. ما می خواهیم ببینیم «آیا جهانی شدن، همان حکومت جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است یا غیر آن؟ آیا جهانی شدن، مقدّمه ای برای آن حکومت واحد است یا اساساً ربطی با آن ندارد؟ آیا با جهانی سازی و سرانجام جهانی شدن، ما را از تشکیل حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) بی نیاز می کند و یا این که نیاز بشر به آن حکومت عدل جهانی، به جای خود محفوظ است؟ جهانی شدن با آن حکومت عدل جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) چه وجه اشتراک و چه امتیازاتی دارد؟برای پاسخ به این پرسش ها، نخست باید جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) را معرّفی کنیم و سپس به مقایسه و سنجش آن دو با هم بپردازیم. بنابراین، مطالب اصلی مقاله، تحت عناوین ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:۱. جهانی شدن؛۲. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف)؛۳. مقایسه و بررسی وجه اشتراک و تمایز آن دو.

جهانی شدن

اشاره

دکتر سلیمان ایران زاده، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریّت و سازمان، ص ۱۹.جهانی شدن، یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن، همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می شود. در حقیقت، جهانی شدن، به معنای آزادی مطلقِ کسب و کار، برداشته شدن تمامی موانع از سر راه، جریان یافتن سهل و ساده ی سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه ها، حرکت روان اطّلاعات و امور مالیّه و خدمات، تداخل فرهنگ ها آن هم به سوی یک سان شدگی و یکدستی است. البته، تمامی این امور، در مقیاسی جهانی رخ می دهد و هدف نیز دست یابی به بازار واحد جهانی، فارغ از موانع امور تولید و سرمایه گذاری و خدمات و اشتغال خواهد بود.برخی، پا را فراتر گذاشته اند، از حکومت واحد جهانی و پول واحد در سراسر جهان یاد می کنند. [۲] .به نظر گروهی دیگر، جهانی شدن، در حقیقت، فراتر از پدیده ی کلاسیک «دولت – ملّت» است. به این معنا که با توجّه به رخدادهای عظیم ارتباطی ورود بازیگران جدید به عرصه ی بین المللی، نقش «دولت – ملّت» تا حدود زیادی کم رنگ

شده است. در این معنای از جهانی شدن، دولت ها، دیگر تصمیم گیرندگان اصلی در رویدادها نیستند و قدرت، در سیاست جهانی، از دولت های محصور در مرزها به دولت هایی منتقل می شود که قادر به تکاپو در جهان اند.گروهی نیز جهانی شدن را به عنوان گسترش روند رو به توسعه ی تجارت جهانی دانسته اند که اکنون بازیگرانی از جنوب نیز به آن پیوسته اند.کاربرد اصطلاح «جهانی شدن» به دو کتابی بر می گردد که در سال هزار و نهصد و هفتاد میلادی انتشار یافت. کتاب نخست «جنگ و صلح در دهکده ی جهانی» تألیف مارشال مک لوهان و کتاب دوم، نوشته بر ژینسکی، مسئول سابق شورای امنیت ملّی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان بود. مباحث کتاب نخست، بر نقش پیشرفت وسائل ارتباطی در تبدیل دنیا به دهکده ی واحد جهانی متمرکز بود. در حالی که بحث اصلی کتاب دوم، درباره ی نقشی بود که آمریکا می بایست برای رهبری جهان و ارائه ی نمونه ی جامعه ی مدرنسیم به عهده می گرفت. [۳] .در عمل، بیش تر توافق های سیاسی و اقتصادی که پس از دو جنگ جهانی خسارت بار، بین مجموع کشورهای جهان انجام گرفته و به نوعی، زمینه ساز همزیستی و همکاری بین المللی شده است، طلایه دار تحوّلی بوده که «جهانی شدن» نامیده می شود.این پدیده، روندی از دگرگونی را به نمایش می گذارد که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می رود و دانش، فرهنگ و شیوه ی زندگی را نیز در بر می گیرد. از این جهت، جهانی شدن، چند بُعدی است و قابل تسرّی به مشکل های گوناگونِ عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، فن آوری، محیط زیست،... است.بعضی از صاحب نظران، ویژگی های پنج گانه ی زیر را برای جهانی شدن مطرح کرده اند:۱- گسترش کمپانی های چند ملیّتی؛ اهمیّت شرکت ها در نظام جهانی، بیش از اهمیّت دولت ها است. به عبارت دیگر، دولت های ملی، جای خود را به کمپانی های بزرگ چند ملّیتی داده اند و کشورهای مختلف جهان با کمپانی های بزرگ خود مشخّص می شوند.۲- پیوستگی بازارهای مالی و بورس جهانی؛ این پیوستگی، آن قدر سریع است که در سالهای اخیر، روزانه، میلیاردها دلار در بازارهای جهانی رد و بدل می شود.۳- گسترش ارتباطات ماهواره ای و شبکه ای و به دنبال آن گسترش داد و ستدهای فرهنگی در سطح جهان؛ گروهی، جهانی شدن را از کانال ارتباطات و داد و ستدهای فرهنگی می نگرند.۴- گسترش شبکه حمل و نقل بین المللی و کاهش شدید هزینه های مربوط؛ این امر، فرایند جهانی شدن را تسهیل کرده است و موجب شده است که دنیا به رسمیت ادغام و وحدت حرکت کند.۵- تقسیم کار گسترده، بر اساس مباحث اقتصاددانان و جامعه شناسان، اقتصاد، وقتی شکوفا و بزرگ و پیچیده می شود که تقسیم کار اجتماعی، در آن گسترده تر می شود، و به همین نسبت، دنیا هم وارد تقسیم کار گسترده ای شده است. [۴] .هر چند که جهانی شدن، پدیده ای صرفاً اقتصادی نیست، لکن اقتصاد، با اهمّیت ترین بُعدِ آن است؛ زیرا، در نظام سرمایه داری که سودای رهبری جهان کنونی را در سر دارد، سیاست و فرهنگ - که دو محور اصلی دیگر جهانی شدن است - تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست گذاری اقتصادی قرار دارد. لذا سازمانهای بین المللی، عمدتاً، در محور اقتصاد تنظیم شده اند. سازمانهای اقتصادی بین المللی و اتحّادیّه های اقتصادی منطقه ای، نظیر «آ.سه.آن»، «نفتا»، «اِکُو»، ادغام بازارهای مالی، اتّحاد پولی کشورهای اروپایی، ادغام بانک های بزرگ جهان، تأسیس سازمان تجارت جهانی، آزادسازی تبادل کالا و نقل و انتقال سرمایه بین کشورها، ادغام شرکت های تولیدی بزرگ، از این قبیل اند.

تعاریفی از جهانی شدن

به نظر می رسد با همه ی تعاریفی که از جهانی شدن ارائه شده، تاکنون، تعریف روشن و جامعی از آن ارائه نشده است؛ زیرا، اوّلاً، این پدیده هنوز به حدّ تکامل نهایی خود نرسیده و هنوز دست خوش تحوّل است و هر روز، وجه تازه ای از ابعاد گوناگون آن مشخّص و نمایان می شود.ثانیاً، هر کسی در مقام تعریف، بُعدی از ابعاد آن را بازگو می کند. اغلب، به بَعدِ اقتصادی آن توجّه کرده اند. به هر حال به برخی از تعاریف اشاره می کنیم:۱- جهانی شدن، فرایندی است اجتماعی که در آن، قید و بندهای

جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می رود و مردم به طور فزاینده، از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند. [۵] .۲- «کاستل» با اشاره به عصر اطّلاعات، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه ی شبکه ای می داند که در ادامه ی حرکت سرمایه داری، پهنه ی اقتصاد و جامعه و فرهنگ را در بر می گیرد.۳- «جان تام لینسُون» جهانی شدن را فرایند توسعه ی سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع و فرهنگ ها و نهادها و افراد در سراسر جهان معرّفی می کند.۴- «هاروی» این فرایند را در بردارنده ی دو مفهوم فشردگی زمان و مکان و کاهش فاصله ها تلقّی می کند. در واقع، طبق این نظر، فشردگی زمان و مکان، مهم ترین ویژگی جهانی شدن است؛ یعنی، فاصله کم می شود و یا از بین می رود، و زمان لازم برای پیمودن فاصله ها کاهش می یابد و جهان بیش از پیش کوچک تر به نظر می رسد و انسان ها و جوامع، به طریقی به هم نزدیک تر می شوند. پس جهانی شدن، فرایندی است که روابط اجتماعی را بسط می دهد و در سه حوزه ی اقتصاد و فرهنگ و سیاست، صادق است و بستر جریان این روابط را از متن محلی به متن جهانی تغییر می دهد. [۶] .

تاریخچه جهانی شدن

ریشه های تاریخی جهانی شدن را می توان به عمق تاریخ بشر و به زمان های قدیم مربوط دانست. طبق نظر جامعه شناسان و باستان شناسان، زندگی بشر، از زندگی های محدود خانوادگی و انفرادی در جنگل ها و غارها و پناهگاه ها شروع شده و به تدریج، به جمعیّت های عشره ای و قبیله ای و اجتماعات محدود در کنار چشمه ها و رودخانه ها تبدیل شده، بعداً، همین ها، روستاها و واحدهای کوچک شده اند، و سپس شهرها تشکیل شده، و از شهرها، به تدریج، به کشورها و دولت ها پدید آمده اند. بنابراین، در مجموع، زندگی بشر، به سوی جهانی شدن در حرکت است؛ یعنی، هر چه که به پیش می رویم، تفرقه ها کم و تجمّع ها زیاد می شود و هر چه که به عقب برگردیم، به تفرقه های بیش تر می رسیم. لذا می گویند، جهانی شدن، یک امر طبیعی است.البته، این حرکت، در قرون اخیر، سرعت بیش تر به خود گرفته است و دیگر به صورت گذشته، کند حرکت نمی کند؛ زیرا، با در اختیار گرفتن ابزاری مثل بُخار و اختراع ماشین و وسائل ارتباط جمعی و دریایی و زمینی و هوایی و توسعه ی راه ها، به تدریج، کشورها، تبدیل به منطقه ها و حکومت های منطقه ای می شوند، و چون این جهانی شدن، در ابعاد مختلفِ اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، شکل می گیرد، قهراً، بلوک ها درست می شود و معلوم است وقتی ارتباطات بشر با ماهواره و اینترنت انجام گیرد، حرکت به سوی جهانی شدن، با سرعت و شتاب بیش تری انجام خواهد گرفت.آنانی که به این نحو، به سابقه ی تاریخی جهانی شدن معتقدند، می گویند، جهانی شدن، فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و از همان زمان تأثیرات آن رو به فزونی بوده است، امّا اخیراً، یک شتاب ناگهانی در آن پدیدار شده است. [۷] .در مقابل این نظریه، بعضی ها، می گویند: جهانی شدن، بانوگرایی و توسعه ی سرمایه داری همزمان بوده است، امّا اخیراً، در آن، شتاب ناگهانی به وجود آمده است.بعضی را نیز عقیده بر این است که جهانی شدن، فرایند متأخّر است که با سایر فرایندهای اجتماعی، نظیر فرا صنعتی شدن، فرانوگرایی یا شالوده شکنی سرمایه داری همراه است. [۸] .به نظر می رسد که حق، با نظر اوّل است. گرچه جهش و شتاب آن، همزمان با سرمایه داری و پیداش وسائل ارتباط جمعی است. جهانی شدن، به طور نامنظم، از طریق توسعه ی امپراطوری های مختلف قدیمی و غارت و تاراج و تجارت دریایی و نیز گسترش آرمان های مذهبی، تحوّل یافته است. جهانی شدن به شیوه ای که امروز شاهد آن هستیم، از قرن پانزده و شانزده، یعنی آغاز عصر جدید، شروع شد. در اروپای قرون وسطی، حرکت جهانی شدن، بسیار کند بوده است و پس از انقلاب صنعتی است که این موضوع، شدّت پیدا کرده است.

موافقان و مخالفان جهانی شدن

درباره ی جهانی شـدن، دو نظر مخالف وجود دارد. عدّه ای بر موافقت و پذیرش بی چون و چرای آن تأکید دارند و عده ای هم بر رد آن، و هر کدام نیز برای خود به دلایلی تمسّک کرده اند:

دلیل موافقان

موافقان جهانی شـدن، به پـذیرش آن، بـدون هیـچ دغدغه و نگرانی، دعوت می کنند و می گویند، جهانی شدن، به کشورهای فقیر کمـک می کنـد و فرصت هـای تـازه ای برای آنـان فراهم می کنـد آنان می گوینـد، با توجّه به ارتباطی که بین اقتصاد و فن آوری وجود دارد، راهی جز پـذیرش جهانی شـدن به عنوان ویژگی عصـری که در آن زنـدگی می کنیم، وجود ندارد.اینان، برای صـحّت مـدّعای خود، دلیل هایی دارند که به آن ها اشاره می شود:۱- از آغاز دهه ی هشـتاد میلادی، تعداد قابل توّجهی از کشورها، به آن ملحق شـده و یا به طور مسـتقیم از طریق اقتصاد بازار آزاد، از آثار آن بهره مند شده اند. برای مثال، گسترده ی جهانی نظام سـرمایه داری، از بیست درصـد سـکنه ی دنیـا در دهه هفتـاد میلادی به میزان نود درصـد در دهه ی نود میلادی رسـیده است و این اتفّاق، حاکی از جذب بیش تر مردم در اقتصاد سرمایه داری جهانی است.۲- در شرایط کنونی، میزان تجارت جهانی، بیش تر از دهه های قبـل است. کـاهش قابـل توجّه در قیمت مسـافرت های هوایی و دریایی به گسترش بیش از پیش مرزهای تجارت جهانی منجر شـده است. در این چهارچوب. نه تنها میزان تجارت جهانی، افزایش بی سابقه یافته است، بلکه شـکل آن نیز دچار دگردیسـی کامل شده است.۳- بازارهای مالی جهانی، رشـد کرده است، این رشد. از دهه ی هفتاد میلادی، با سودآوری قابل توجّه بازارهای مالی ساحلی و گردش وسیع جریـان پولی خـارج از حوزه ی اقتـدار ملی، همراه شـده است.۴- تحرّک جهـانی بـه تحرّک جمعیّت کمـک کرده است. پناهندگان بی شماری به عنوان نیروی کار مهاجر قابل توجّه، در جهان پراکنده شده اند.۵- هر چند شرکت های چند ملیتی تا دهه ی هفتاد میلاد، شـکلی مطلق و متصـلّب داشـتند، امّا در حال حاضـر، شیوه و شکل جدیدی از مؤ سّسه های جهانی پیدا شده اند که بـا بسـط تجـارت در سرتاسـر دنیـا، تحقیقات وسـیعی در زمینه ی توسـعه ی تولیـد در مناطق مختلف را با پـذیرش سـهامداران از سرتاسـر جهان ممکن کرده اند.۶- جهانی شـدن، فراینـدی از یک توسعه ی اجتماعی است که به تشدید خود آگاهی جهانی منجر می شود.۷- روند رو به رشد همبستگی اقتصادی، در آینده، منجر به وابستگی های اجتماعی خواهد شد.۸ - با توجّه به رشد پیچیده و روز به روز ارتباطات، خود آگاهی جهانی، شـدّت پیدا می کند بنابراین، نبایستی رشد شـبکه های ارتباطی جهان گستر، مثل کابل های تلویزیونی و شـبکه های آماری را انکار کرد و اهمّیّت آن را نادیـده گرفت. [۹] .۹- باز شـدن اقتصادها و فرهنگ های ملّی در ابعاد داخلی و خارجی، رشـد منطقه گرایی در پی تهدیـد بازار ملی کشورها، ایجاد محیطی کاملاً رقابتی، تحریک احساسات ملّی و محلّی، رونق پیـدا کردن برخی شـهرها و واحدها منطقه ای به عنوان مراکز اقتصادی جهان، افزایش بهره وری، بهبود شـرایط زندگی برای عموم مردم، به طور کلی، و برای عده ای بیش از دیگران، انتقال فن آوری به کشورهای در حال توسعه و... از دیگر دلیل های اینان است.

مخالفان

دلیل مخالفان، در مورد فوائـد و منابع بر شـمرده شـده درباره ی جهانی شـدن. تردید دارند و معتقدند، این پدیده، بر ایده ئولوژی و مفـاهیم لیبرالیزم اسـتوار است و هـدف اش، تحمیل الگوی آمریکایی و سـلطه ی آمریکا بر جهان است و تنها منافع ایالات متحـده و همراهـان او و کشورهای پیشـرفته را تأمین می کنـد. در این شـکل از جهانی شـدن، تنها، بیست درصـد جمعیّت بهره منـد، و هشـتاد درصد بقیّه، در حاشیه هستند و این امر با مفهوم نظام جهانی متوازن، سازگار نیست، بلکه معنای سیطره و تحکم و سلطه گری از آن اسـتفاده می شود.جهانی شدن فرهنگی، یعنی سیطره ی فرهنگ غربی بر دیگر فرهنگ ها، و این، یعنی اوج سـیطره ی اسـتعماری.به

هر حال، در جمع بندی نهایی، آثار منفی جهانی شدن را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:۱- بحران دولت ملّی که منظور از آن، مسلّط نبودن دولت بر منابع درآمد خود و دست برداشتن دولت از نقش های اقتصادی و اجتماعی خویش است. در نتیجه، جهانی شدن اقتصاد حاصل می شود و شرکت های چند ملیّتی، به نیابت از دولت ملّی، به آن نقش ها می پردازند.۲- بحران های مالی که کشورهای گوناگون جهان، به خاطر وحدت بازار مالی و معاملات جهانی بورس دچار آن می شوند، از دیگر آثار منفی است. اوّلین آن ها بحران مالی مکزیک در سال هزار و نهصد و نود و چهار میلادی و آخرین مورد آن، بحران مالی در کشورهای جنوب شرق آسیا بود. این بحران ها، تا این تاریخ ادامه دارد.۳- پیامدهای اجتماعی ناشی از اصلاحات ساختار اقتصادی مورد نظر مؤ سسات بین المللی، از جمله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مانند گسترش بیکاری، گسترش فقر، پائین آمدن دستمزدها.۴- تسلّط فرهنگ غربی بر دیگر فرهنگ ها به شکل تلاش برای مسخ کردن هویّت فرهنگی ملّت های دیگر و مطرح کردن فرهنگ غربی (با جنبه های مثبت و منفی آن) به عنوان جایگزین.۵- موافقت نامه هایی که کشورهای پیشرفته مطرح کرده اند که مهم ترین آن ها، موافقت نامه ی آزادی سرمایه گذاری است. این موافقت نامه، به سرمایه گذاری خارجی در نقاط مختلف جهان آزادی می بخشد، و معنای آن، تسلّط کشورهای پیشرفته بر ثروت های کشورهای در حال رشد است؛ چون، این کشورها، از لحاظ اقتصادی و مالی و فن آوری، هموزن و همپایه نیستند. [۱۰] .۶- جهانی شدن، سبب کاهش اهمّیّت کالاهای اوّلیّه (مواد اوّلیّه) می شود.۷- جهانی شدن، به افزایش فاصله و نابرابر میان ملّت ها و مناطق گرایش دارد. از این رو به عنوان یک ساختار در دست قدرت مندان اقتصادی، آنان را قدرت مندتر و فقرا را فقیرتر می کند.۸- جهانی شدن، سبب به مخاطره افتادن محیط زیست می شود.

جهانی سازی

جهانی سازی یا به تعبیر دیگر جهانی کردن اقتصاد و فرهنگ و سیاست، غیر از جهانی شدن به صورت طبیعی است؛ زیرا، جهانی شدن تا آن جا که مربوط به پیشرفت های فنّی و علمی و اجتماعی، و متناسب با وضعیّت تاریخی و اجتماعی بشر امروز است، امری قابل فهم و طبیعی است، امّا آن چه امروزه از جهانی شدن اراده می شود، تنها این امر طبیعی نیست، بلکه ورای این اصطلاح و فرایند و حرکت، یک اراده وجود دارد و آن، این است که نوعی روش و منش و سیاست و منافع، به عنوان روش و منش و منافع جهانی بر بشریّت تحمیل می شود. البته، این، امری خطرناک است؛ زیرا، می خواهد یک نوع منافع و یک نوع بینش را به عنوان الگو معرّفی کند و همه ی زندگی و جهان را با یک معیار خاص اندازه گیری کند. عدم تساوی دولت ها و ملّت ها، سبب می شود تا آنان که صاحب علم و فن آوری هستند، یک امر غیر طبیعی را بر کشورهای دارای اقتصاد ضعیف تر تحمیل کنند و سعی کنند جهان بر مدار منافع آنان بچرخد.آمریکا و قدرت های بزرگ دیگر، با دارا بودن توانایی های سیاسی و اقتصادی و نظامی، در عمل، رهبری جهانی سازی را به دست گرفته اند و سوار بر این جریان طبیعی جهانی شدن، می خواهند آن را به سود خود عملی سازند. به تعبیر دیگر، دارند از این جریان طبیعی جهانی شدن، سوء استفاده می کنند. به خاطر همین سوء استفاده ها است که در باره ی جهانی شدن، پرسش های بسیاری مطرح می شود: «آیا جهانی شدن، یک پدیده ی طبیعی است که در اثر پیشرفت علم فن آوری به وجود آمده یا پدیده ای طرّاحی شده از سوی سرمایه داری و سرمایه داران است؟ آیا همه ی کشورها، ناگزیرند به این جریان بپیوندند یا راهی برای گریز وجود دارد؟ در این صورت، آیا پیوستن به آن، به نفع کشورهای در حال توسعه است یا نه؟ آیا جهانی شدن یا جهانی سازی، با آموزه های اسلام سازگار است یا ناسازگار؟».با دقّت در ساز کارهای جهانی شدن و جهانی سازی، روشن می شود که جهانی شدن، امری طبیعی است و پیوستن به آن، مانعی ندارد، بلکه به نفع همه ی کشورها است، ولی آن چه امروزه در جهان مشاهده می شود، جهانی سازی است که همراه با بی عدالتی و تجاوز و تحمیل اقتصاد و فرهنگ و سیاست خاص بر جهان است. آن چه صاحب نظران را وادار به مخالفت می کند و مردم را علیه آن به تظاهرات وا می دارد، جهانی کردن است نه جهانی

شدن.

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی

حکومت واحد جهانی امام محمدمهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در حقیقت، پاسخی است به نگرانی بشر از آینده ی خود. شیعیان، آینده ی روشنی را برای زندگی انسان پیش بینی می کنند و امید به زندگی در قالب «انتظار فرج» به زندگی شیعیان، معنا و گرمی می بخشد.یک شیعه، هیچ گاه از آینده ی خود نگران نیست، چنان که اکثر متدّینان به ادیان نیز نگران نیستند و آینده ی بشر را تحت لوای مصلح کل، روشن می بینند، ولی آموزه های شیعی این امتیاز را دارد که از روشنی و وضوح فراوان برخوردار است.با دقّت در دعوت و آموزه های اسلام، معلوم می گردد که هدف اش متّحد کردن ملّتها و برداشتن دیوار امتیازات و اعتبارات لغو و بی اثر و برقرار کردن کلمه ی واحد و همکاری و ارتباطی است که ریشه و پایه آن، کلمه ی توحید و ایمان و عقیده به آن است.اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی ها را که به نام های گوناگون پدید آمده، با عقیده ی توحید از میان بردارد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملّی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی، همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد، حتّی باید اختلافات دینی هم، کنار گذاشته شود و همه باید تسلیم فرمان خدا باشند: (قُلَ تَعالَوا الی کلَمه سَواءٍ بَیَننا وبَیَنکُم...) [۱۱] اسلام، برای بشر، رسیدن به چنین روزی را پیش بینی کرده و در حدودی که وظیفه ی تشریع است، مقدّمات آن را نیز فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به آماده شدن زمینه ی کامل آن کرده است.همان طور که در مطلب پیشین (جهانی شدن) اشاره شد، جریان اوضاع جهانی و پیشرفت هایی که نصیب بشر در امور مادّی و صناعی شده است و روابط نزدیکی که به واسطه ی وسائل ارتباط کنونی با هم پیدا کرده اند، همه را به یک اتحاد واقعی و همکاری صمیمانه ی روحانی و برادری حقیقی بیش تر محتاج کرده است. هر چه جلوتر برویم، این احتیاج را بیش تر احساس می کنیم؛ یعنی، آن دهکده ی جهانی که دانشمندان غربی در قرن بیستم احتمال آن را داده اند، اسلام، در هزار و چهارصد سال قبل، با تأکید فراوان و قطعیّت و حتمیّت، آن را خبر داده و حتّی کیفیت وقوع آن و نحوه ی حکومت در آن دهکده ی جهانی و رهبری آن نظام را به طور وضوح و آشکارا، معیّن کرده است و خبر داده که دین حاکم در آن حکومت جهانی، اسلام، و پیروزی از آنِ مستضعفان و صالحان و غلبه ی ایمان بر کفر است و حاکم آن حکومت، شخصی از تبار ابراهیم و نبیره محمّد(صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) و فرزند زهرا و علی(سلام الله علیهم) است و نام او، «محمد» و کنیه ی او «ابوالقاسم» و لقب او، «قائم» است.اینک به برخی از آیات و روایات این موضوع و این که «روزی خواهد آمد که دین غالب در روی کره ی زمین، دین اسلام است» و «پیروزی از آنِ مستضعفان است» و «صالحان وارث زمین اند» و «در همه ی جای کره زمین، عدل حاکم خواهد شد» و «این که همه ی دین ها در عصر ظهور حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالیِ فرجه الشّریف) خواهد بود»، اشاره می کنیم و تفصیل آن را به کتب مفصّل وا می گذاریم.(وَلَقَد کَتَبنا فی الزبُورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ اَنَّ الأَرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالحونَ) [۱۲] ؛ در زبور داوود نوشته ایم که صالحان از بندگان من، وارث زمین خواهند شد.در تفسیر مجمع البیان طبرسی، ذیل این آیه، از امام باقر(علیه السّلام) نقل شده که آن حضرت فرمود: «وَهَم اَصحابُ المَهدی فی آخِرِالزمانِ؛ آنان، همان یاران حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در آخرالزّمان اند».(وَعَدَ اللّه الّذینَ آمَنوّ فِیکَم وَعَمَلو اَلصالِحاتِ لِیَستَخِلفَنهُم فی الاَرضِ کَمَا استَخلَفَ الّذینَ مِن قَبلِهِم وَلَیَمَکِّنَن لَهُم دینَهُمُ الذِی ارتَضی لَهُم وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اءمَنا...) [۱۳] .در این آیه ی شریف، سه وعده ی صریح به مؤ منان وارسته و دارای عمل صالح داده شده است:۱- استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت، در کلّ کره ی زمین. به عنوان نمایندگی خدا که حکومت حق و عدالت است.۲- تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه ی زمین.۳- تبدیل خوف به امنیّت؛ یعنی، برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیّت کامل و آرامش در همه ی روی زمین.در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه از امام زین العابدین(علیه السّلام) نقل شده که فرمود: «هُم – وَاللّهِ! – شیَعتُنا اهلُ البَیتِ یَفعَلُ

اللُّه ذالک بِهِم عَلی یَدَی رَجُل مِنّا وَهُو مَهدّیِ هَذِهِ الامّه ؛ این گروه به خدا قسم! – همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله ی مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقّق می بخشد و او، مهدی این امّت است.».(هُوَ الذی اَرسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدینِ الحَقّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدین کُلِّهِ وَلَو کَرِهَ المَشرِکُونَ) [۱۴] ؛ خداوند، رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق او، بر همه ی ادیان، غالب آید. هر چند مشرکان به این کار راضی نباشند.در روایت آمده که علی(علیه السّلام) هنگام تلاوت این آیه از یاران خود پرسید: «آیا این پیروزی حاصل شده است؟». گفتند: «آری.». فرمود: کَلّا! هوَ الذی نَفسی بَیدِهِ! حَتّی لا یَبقی قَریَه الاّ و یُنادیَ بِشَهادَه ان لا الهَ الا اللّه بَکرَه وَعَشیاً؛ نه! سوگند به کسی که جانم به دست او است! این پیروزی، آشکار نمی شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند، مگر آن که صبح و شما بانگ لا الَه الّا الله از آن به گوش رسد». [۱۵] .امام باقر(علیه السّلام) فرمود: «ان ذالکَ یَکُونَ عَندَ خُروجَ المَهدیِ مِن آلِ مُحَمدٍ فَلا یَبقی اَحَدُ اِلاّ اقَرّ بِمَحِمّدٍ؛ این پیروزی. به هنگام قیام است.مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) از آل محمد(صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) خواهد بود؛ آن چنانکه هیچ کس در جهان باقی نمی ماند مگر آن که اقرار به رسالت محمد(صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم)، خواهد کرد.».از این آیات و روایات به روشنی استفاده می شود که:۱- سرانجام، صالحان اند که وارث کلّ زمین اند، نه شرق یا غرب، جنوب یا شمال آن.۲- افراد شایسته، جانشین پیشینیان در کلّ کره ی زمین اند و قدرت شان در همه جای عالم ظاهری می شود.۳- دینِ اسلام غالب بر همه ی ادیان، در جای جای کره ی زمین حاکم خواهد شد.۴- همه ی این ها در عصر ظهور حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) واقع خواهد شد.نتیجه این که حکومت مهدی(علیه السّلام) حکومتی جهانی خواهد بود و این حکومت واحد جهانی، جزء وعده های الهی است که تخلّف ندارد؛ زیرا، اَن اللّهِ لا یَخلفَ المیعاد. [۱۶] .بنابراین، اعتقاد به تشکیل حکومت واحد جهانی، نشئت گرفته از قرآن کریم و روایات اهل بیت(علیهم السّلام) است که خداوند وعده ی تحقّق آن بر اداره و تخلّفی نخواهد داشت.

مقایسه و تمایز

پس از روشن شدن معنای جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) اینک جای طرح سؤ الاتی است که در مقدمه به آن ها اشاره شده است.در پاسخ این پرسش ها می گوییم، یقیناً، نمی توان حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) را منطق با جهانی شدن دانست، هر چند اگر جهانی شدن به صورت طبیعی خود به پیش برود، می تواند زمینه ساز آن حکومت باشد، امّا همین که صاحب نظران دنیا، در اصل تشکیل حکومت واحد جهانی، با اسلام مکتب تشیع همنوا شده اند، خود، امری ارزش مند است؛ زیرا، تا دیروز، تشکیل حکومت واحد جهانی تحت نظر امام معصوم، برای دنیا قابل پذیرش نبود و آن را به صورت امری عجیب و باورنکردنی مطرح می کردند، ولی امروزه، خود، آن را به صورت قطعی و امری اجتناب ناپذیر می دانند. بنابراین، جهان، به تدریج، خود را برای پذیرش حکومت واحد جهانی آماده می سازد، زمینه ی فکری بشر برای اجرای این طرح مهیا می شود. اگر تا دیروز، حکومت واحد جهانی، صرفاً یک عقیده ی اسلامی شیعی بود، امروز، انان هستند که انسان ها را به پذیرش و اجرای این طرح که امری ضروری و حیاتی است، دعوت می کنند و موضوع جهانی سازی چیزی غیر از این نیست.به هر حال، جهانی شدن، تنها در همین حدّ از انطباق کلّی با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است و گر نه کسی نمی تواند جهانی شدن را کاملاً منطبق با حکومت حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) بداند. حکومتی را که اسلام مطرح کرد، دارای خصوصیّاتی است که اساساً در فکر محدود بشر نمی گنجد تا طرح آن را بدهد. بر فرض که حکومت پیشنهادی بشر، روزی در دنیا پیاده شود، یقیناً، همانند سایر سازمان های بین المللی، وسیله ای برای تسلّط اقویا بر ضعفا و گسترش ظلم مدرن در عالم، و سرانجام، باعث زحمت وسلب آزادی و آسایش مردم خواهد بود؛ و بر این اساس ایمان به خدا و اعتقاد به روز جزا و اعتقاد واقعی افراد به حقوق و آزادی های دیگران، به وجود نمی آید. بنایراین، چنین

حکومتی، نه به وجود می آید و نه بر فرض وجود، ضامن اجرایی خواهد داشت و نه شهوات و غرائز آدمی را که محرک او در جنگ و فتنه است، مهار می کند و نه می تواند یک برادری ایمانی و انسانی در عالم به وجود آورد، امّا حکومت واحد جهانی که در اسلام مطرح است، هم ضامن اجرایی دارد و هم عقیده و ایمان از آن پشتیبانی می کند و هم مردم را برادر می سازد و هم غرائز و امیال را راهنمایی می کند.در پایان، به برخی از امتیازات حکومت مورد نظر اسلام و بر حکومت جهانی در جهانی سازی دنیا، اشاره می کنیم:۱- حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیّت های برجسته ی دینی که معصوم از خطا و یا تالی تِلوِ معصوم اند، ایجاد می شود و قانون خدا در آن جامعه حاکم است، ولی حکومت واحد جهانی پیشنهادی، تحت نظر و اشراف قدرت مندان و زورمداران و ستمگران ایجاد می شود.شاید این مدّعا، «حق وتو»یی است که آنان برای خود در سازمان ملل گذاشته اند. توضیح آن که جهانی شدن، به سازمان ملل احتیاج دارد، لذا سازمان ملل به وجود آمد. طبیعی بود که در دنیای مرتبط و دنیایی که خطر جنگ و نزاع و کشمکش آن را تهدید می کرد، سازمان ملل برای پیشبرد اهداف اش نیاز به چیزی داشت که «منشور ملل» نام گرفت، ولی آنان دخالت کردند و حقوق بشری نوشتند که منافع ناعادلانه آنان را تأمین کند، قدرت هایی مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و... دست به دست هم دادند و امتیازی به نام «حق وتو» را برای خود قرار دادند. تا در مقابل تصمیمات عاقلانه ی دنیا که مخالف منافع آنان است، بایستند!«حق وتو» حقّی ظالمانه و خطرناک است که آنان برای خود قرار داده اند. در حکومت واحد جهانی و در خانواده ی بزرگ بشریّت کسانی که سرتاپا اسیر هوای نفس اند و از لحاظ اخلاقی منحط و ذلیل اند و نمی توانند فراتر از تعصبات خود عمل کنند و بسیار مغرور و ظالم و متعصب اند و همه ی بشریّت را در خدمت خود می بینند، «حق وتو» دارند. این حقّ وتو، سبب می شود که جهان را به دوران دیکتاتوری اوّل برگردانند و قانون جنگل را حاکم کنند که هر کس زورش بیش تر است، باقی بماند و ضعیف ترها نابود شوند؛ یعنی، همان چیزی که امروزه شاهد آنیم و «وتو»هایی که امریکا به نفع اسراییل و بر ضرر فلسطینیان ستمدیده در سازمان ملل اعمال می کند.اینجا است که می گوییم، حکومت جهانی پیشنهادی آنان، یا محّقق پیدا نمی کند و اگر هم تحقّق پیدا کند، هیچ ضمانت اجرایی برای اجرای صحیحی آن در جهت منافع و سعادت و رفاه بشر وجود ندارد.۲- امتیاز دیگر جامعه ی جهانی اسلامی، بر جهانی شدن، این است که محور تمام یک امور در این جامعه، خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلامی برای اداره ی جامعه ی جهانی کافی است، ولی در جهانی شدن و جهانی سازی. محور، قوانین موضوعه ی بشری و الحاد و حاکمیّت سکولاریسم است.۳- در حکومت جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) دین اسلام، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود، چنان که دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت؛ در خدمت دین و اهداف متعالی آن است، در صورتی که در وضعیت جهانی شدن، دین، مخصوصاً اسلام، جایگاه روشنی ندارد.۴- در حکومت جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) قرآن، محور زندگی بشر قرار می گیرد. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «وَیَعَطِفُ الرایَ عَلَی القرآنِ اذا عَطَفُوا القَرآنَ عَلَی الرایِ [۱۷] ؛ در آن هنگام که مردم قرآن را به رای خود تفسیر کنند، امام زمان(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف)، آراء و نظر مردم را تابع قرآن قرار خواهد داد.».از این کلام امیرالمؤ منین(علیه السّلام) استفاده می شود که در عصر حکومت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) محور همه چیز و همه آراء و عقاید، قرآن خواهد بود، در حالی که در وضعیّت جهانی شدن، نه تنها قرآن، در جامعه ی بشری محور نیست، بلکه کوشش می شود که قرآن از صحنه خارج شود و اگر هم در برخی از جوامع، حضور کم رنگی دارد، سعی می شود که آیات قرآن را طبق نظر خود تفسیر کنند.۵- حکومت جهانی امام مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) بر محور توسعه ی اخلاقی، اجتماعی، امنیّتی استوار است، در حالی که جهان کنونی ما، از بحران معنویّت در رنج است، و امنیّت نیز چه در سطوح فردی و چه سطوح عمومی و ملّی و جهانی، به خطر افتاده است و از طرفی آن چه به عنوان اهرم قدرت است، برای کشورهای قدرت مند به رسمیّت شناخته شده است.۶- توسعه ی علمی، از ویژگی های بارز حکومت جهانی امام مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است در حدیث شریف

از امـام صـادق(علیه السّـلام) می خوانیم: اَلعِلمُ سَـبعَه وَعِشـرُونَ حَرفـاً فَجَمیعُ مـا جاءت بِهِ الرسُلُ، حَرفانِ، فَلَم تَعرفِ الناسَ حَتّی الیَومَ غیرالحَرفَینِ فَاَذا قامَ قائِمُنا خَرَجَ الخَمسه وَالعشـریَن حَرفاً فَبَثها فی النّاسِ وَضَم الَیها الحَرفَینُ حَتّی یَبَثها سَـبعَه وَ عِشرینَ حَرَفاً [۱۸] ؛ علم و دانش، بیست و هفت حرف است. تمـام آن چه پیـامبران الهی برای مردم آوردنـد، دو حرف بیش نبـود و مردم تـاکنون جز آن دو حرف را نشـناخته انـد، امّـا هنگامی که قائم ما قیام کنـد، بیست و پنـج حرف دیگر را آشـکار و در میان مردم منتشـر می سازد و دو حرف دیگر را بـا آن ضـمیمه می کنـد تـا بیست و هفت حرف، کامـل و منتشـر گردد.» در عصـر جهـانی شـدن، دانش پیشـرفته، در انحصار کشورهای خاصّی است و این کشورهای از انتقال آن به کشورهای دیگر جلوگیری می کننـد.۷- حکومت جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّـریف) حکومتی است مبتنی بر آموزه های حیاتی و دینی. در حالی که جهانی شدن، پیامد و حاصل آگاهانه و ناآگاهانه پیشـرفت های سیاسـی، اقتصادی. فن آوری، و در ارتباط با نظام سـرمایه داری و سلطه طلبی است.۸ – حکومت واحد جهانی حضـرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّـریف) مشـروعیّت خود را از خدا دارد و به تعبیر دیگر، حکومت ولایی است که حـاکم آن از طرف خـدا منصوب است و از نـاحیه ی مردم نیز مورد پـذیرش است؛ یعنی، حکومتی است که از یک سو مبتنی بر تأییـد الهی است و از سوی دیگر، مورد رضایت مردم است، در حالی که در جهانی شـدن، مشـروعیّت حکومت جهانی، از ناحیه ی مردم است، آن هم بـا هزاران فریب کاری که در گرفتن آرای مردم به کار می رود.۹- حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعـالی فرجه الشّـریف) بر مبنـای حـاکمیّت عقـل است؛ زیرا، عقـل انسـان هـا، در عصـر ظهور، به کمـال می رسـد. در حـالی که حکومت بر اساس جهانی شدن، بر منابی هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی شـکل می گیرد.در حدیثی از امام باقر(علیه السّلام) می خـوانیم: «اِذا قـامَ قائمُنـا وَضَـعَ اللهُ یَدَهُ عَلی رُووُسِ العِبـادِ فَجَمَـعِ بِهـا عَقَـولُهَم وَکَمُلَت بِهـا اَحلاـقُهم؛ [۱۹] هنگـامی که قـائم مـا قیام کند،خداوند، دست اش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنان را با آن، کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می کند.» ۱۰- در حکومت واحد جهانی حضـرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) به خاطر توسعه ای که در دانش و عقل بشر پیدا می شود، تمـامی ظرفیّت هـای اقتصادی طبیعت، کشف می شود و سـرمایه. در حـدّ وفور، در اختیار است و سیسـتم توزیع نیز درست عمل می کنـد، لـذا اثری از فقر و شـکاف طبقاتی و جنوب و شـمال و کشورهای پیشـرفته و عقب مانده، مشاهده نمی شود. در این حکومت، جایی را نمی توان دید که آباد نشده باشد. همه جا یک سان از مواهب طبیعت برخوردار خواهند شد. در این رابطه، روایات فراوانی است که به بعضـی از آنها اشاره می شود:وَاِنهُ یَبلُغُ سُـلطانُهُ المَشرِقَ وَالمَغرِبَ وَ تَظهُر لَهُ الکنوزُ وَلا یَبقی فی الاَرضِ خَرابٌ اَلّا یُعَمِّرهُ؛ [۲۰] حکومت او، شـرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنج های زمین برای او ظاهر می شود و در سرتاسر عالم، جای ویرانی بـاقی نخواهـد مانـد مگر این که آن را آبـاد خواهـد سـاخت.اذا قامَ القائِمُ... وَاءخرَجَتِ الاَرضَ بَرَکاتِها وَرَدّ کُلُ حَقٍّ اِلِی اهَلِهِ... [۲۱] .اُبشِّرُکُم بِالَمهدی یَملَاُ الارضَ قِسطاً کَما مُلِئَت جوراً وَظُلَماً... یُقَسّمُ المالَ صَحاحاً فَقالَ رَجَلٌ: «ما مَعنی صَحاحاً؟» قال: «بالتسویَه بیَنَ النّاسِ.». [۲۲] ؛ شما را به ظهور مهدی بشارت می دهم، زمین را پر از عدل می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است... و اموال را به طور صـحیح بین مردم تقسـیم می کند شخصـی پرسید: «معنای تقسیم صحیح چیست؟». فرمود: «به طور مساوی بین مردم تقسـیم می کنـد».بـا چنین برنـامه ای، یقینـاً، شـکاف هـای طبقاتی حاکم نخواهـد شـد، در حالی که در نظام های اقتصادی حاکم بر جهان، شـکاف های اقتصادی وحشت ناکی وجود دارد. شـکاف شـمال و جنوب، شـکافی است که به اجماع صاحب نظران توسعه، میان کشورهای توسعه یافته و عقب مانده وجود دارد. وجود کشورهای فقیر و بدهکار در این عالم، بهترین شاهد بر مدعا است.۱۱- طبق کلام امیرالمؤ منین(علیه السّـلام) در حکومت واحـد جهانی حضـرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّـریف) مؤ منان، به دور او اجتماع می کننـد، و از افراد فاسق و فاجر و کافر، در آن حکومت اثری نیست: فَاَذا کانَ ذلکَ ضَـرَبَ یَعسُوبُ الدینِ بذَنبِهِ فیَتجُمعونَ اَلَیه کَما مُجتَمِعُ قُزَعُ الخریف؛ [۲۳] هنگامی که وضع بدین منوال شد، پیشوای دین خشم گیرد و آمادگی خود را اعلام کند. در این موقع، مؤ منان به سـرعت در اطراف اش جمع شونـد، هماننـد اجتماع ابرهای پائیزی.در جهانی شدن، مومنان واقعی، جایگاهی ندارند

و اطراف حاکمان و قدرت مندان را افراد هواپرست و لاابالی گرفته اند. آنان، اساساً، حکومت و سیاست را از دین جدا می دانند و به تعبیر دیگر، در این نوع حکومت، جایی برای مؤ منان نیست.۱۲- الهی شدن، خواسته های بشر در هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است: يَعْطِفُ الهَوی عَلَی الهُدی اَذا عَطَفُو الهُدی عَلَی الهَوی [۲۴] ؛ او، خواسته های نفسانی را تحت اشعاع هدایت الهی قرار می دهد، هنگامی که مردم هدایت را تحت الشعاع هوای و هوس خویش قرار داده اند.در عصر جهانی شدن، کوشش، بر طرد فکر الهی و سعی در تبعیّت از هواهای نفسانی است.۱۳- در عصر حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) اجتماع گمراهان پراکنده می شود و حق جویان گرد هم جمع می شوند: دَویَصدَعُ شَعباً ویَشعَبُ صَدَعاً [۲۵] ؛ او، جمعیّت های گمراه و ستمگر را پراکنده می کند و حق جویانِ پراکنده را به دور هم گرد آورد.در جهانی شدن، ستمگران عالم به هم می پیوندند و حق جویان را پراکنده می سازند.۱۴- در حکومت جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) ستمگران و طاغوتیان و کارگزاران بد کیفر می بینند و نیکان پاداش می گیرند و تشویق می شوند: الا وَفِي غَدٍ - وَسَيَأتی غَدٌ بِمالا تَعرِفَونَ (یاءخُذُالوالی مِن غَیرِها عَمّالَها عَلی مَساوی اعمالِها [۲۶] ؛ آگاه باشید! فردا که فردایی است ناشناخته - کسی بر شما حکومت خواهد کرد از غیرخاندان حکومت ها. او، عُمّال و رو سای حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر می دهد.در عصر جهانی شدن، درست قضیّه به عکس است به جنایتکاران مانند شارون (نخست وزیر اسرائیل) لقب «مصلح» می دهند و به فرمانده ناو آمریکایی که دستور شلیک موشک را به هواپیمای مسافری ایران داد و نزدیک سیصد تن مسافر بیگناه را کشت، جایزه می دهند و فلسطینی های محروم و حزب الله ستم کشیده را لقب تروریست می دهند.۱۵. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) بر اساس عدل و قسط اداره می شود، و جایی از کره زمین نیست که در آن عدل گسترده نشود. در روایات متعدد، تعبیر به «یَملَاءُ» - یعنی زمین از عدل پر می شود - شده است. رسول خدا(صلّی اللّهُ علیه وآله وسلّم) فرمود: «یَخرَجَ رَجِلٌ مِن اهلِ بَیتِی یُواطِیءُ اِسمُهُ اِسمی وَ خُلقُهُ خُلقی فَیملَأها عَدلاً وَقسطاً کَما مُلِئَت کَما مُلئَت ظُلماً وَجَوراً؛ مردی از اهل بیت(علیهم السّلام) من خروج می کند که اسم او، اسم من، خلق او، مانند خُلقِ من است. زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.حاکمان در حکومت های عصر جهانی شدن، خود، از ستمگران اندو چنان در زمین عمل می کنند که گویا دشمن عدل اند و اساساً این که قبل از آمدن حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) جهان پر از ظلم و ستم می شود، در همان عصر جهانی شدن است که ظلم فراگیر در زمین تحقّق پیدا می کند.امتیازات حکومت واحد جهانی حضرت مهدی(عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) منحصر در همین پانزده مورد نیست، بلکه ما، در حدّ نیاز یک مقاله، به آن ها اشاره کردیم. به امید آن که ره پویان آن حضرت، در آینده، امتیازات بیش تری را مطرح کند.

پاورقی

[۱]، ترجمه ی: دکتر احمد یزدانی پناه و سیف الله صادقی. ۷- جامعه شناسی سیاسی معاصر، کِیت نَش، ترجمه ی، محمّدتقی دلفروز، تهران ۱۳۸۰.

[۲] دکتر سلیمان ایران زاده، جهانی شدن و تحوّلا ت استراتژیک، ص ۱۷.

[۳] هانس پیتر مارتین و شومن، دام جهانی شدن، ترجمه ی حمیدرضا شهمیرزادی.

[۴] جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریّت و سازمان، ص ۲۱.

[۵] مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۱۲.

[۶] دکتر سلیمان ایران زاده، جهانی شدن، ص ۷ - ۲۶.

[۷] مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه ی اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، ص ۱۳ - ۱۴.

[۸] مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه ی اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، ص ۱۳ – ۱۴.

[۹] هیملینگ کسیس، تاملاتی در مفهوم جهانی شدن، ترجمه ی آزاده ابراهیمی، مهر ۱۳۷۹.

[۱۰] جهانی شدن و تحولات استراتژیک به نقل از علی عبدالحمید عادل، جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم، ترجمه ی مهندس سید اصغر قریشی.

[۱۱] آل عمران / ۶۴.

[۱۲] انبیا: ۱۰۵.

[۱۳] نور: ۵۵.

[۱۴] صف: ۹.

[۱۵] مجمع البیان، ذیل آیه کانهم از سوره ی صف.

[۱۶] آل عمران: ۹.

[۱۷] نهج البلاغه، ج ۱۳۸.

[۱۸] بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

[۱۹] بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

[۲۰] منتخب الاثر، ص ۴۸۲.

[۲۱] بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

[۲۲] عقدالدرر، باب هفتم، ص ۲۰۷.

[۲۳] بحار، ج ۲، ص ۳۴۲.

[۲۴] نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

[۲۵] نهج البلاغه، خ ۱۵۰.

[۲۶] نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۹۰IR

۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».